

جغرافیا و تالیفات جغرافیایی عصر قاجار

علی اکبر خدیری زاده



۱۲۶۷ هـ. ق دروس اصلی آن را مهندسی و دوسازی و طب و جراحی و توپخانه و پیاده نظام و سواره نظام و معدن شناسی یعنی هفت شعبه مجزا تشکیل می‌داده است. در این هفت شعبه علاوه بر دروس اختصاصی، درس‌های دیگری نیز مانند تاریخ و جغرافیا و طبیعیات و ریاضیات هم متناسب با شعب هفتگانه فوق‌الذکر تدریس می‌شده است. مسلم است در جایی که مهندسی و توپخانه و پیاده نظام و سواره نظام تدریس شود ممکن نیست جغرافیا که با تمام این رشته‌ها پیوستگی نزدیک دارد تدریس نشود ولی در تمام آثاری که از سال‌های اول دارالفنون باقی مانده نامی از معلمی که تدریس جغرافیا را به عهده داشته باشد دیده نشده و از این جا می‌توان حدس زد که درس جغرافیا معلم خاصی نداشته است.^۲

همچنین محبوبی اردکانی در ذکر جزئیات برنامه درس‌ها و معلمان دارالفنون می‌نویسد که گریز یا کرشیش که یکی از معلمان اطریشی بود، معلم توپخانه و حساب و هندسه و جغرافیا و جنگ‌های معروف بوده است. اردکانی در جای دیگر کتاب خود، نظر آقا از ارامنه آذربایجان را که بعدها مشاغل مهمتری به دست آورده و با لقب یمین‌السلطنه، وزیر مختار ایران در پاریس شد، معلم زبان خارجه و جغرافیا می‌داند.^۳

تدریس جغرافیا در دارالفنون به هر صورتی که آغاز شده باشد مسلم است که این علم از هنگامی اهمیت و اعتبار پیدا کرده است که میرزا عبدالغفار نجم‌الملک به تدریس و ترویج آن در دارالفنون اهتمام ورزید میرزا عبدالغفار (۱۲۵۵ - ۱۳۲۶ هـ. ق) فرزند آخوند ملاعلی محمد اصفهانی از فضایی زمان خود بود که زبان‌های خارجی را هنگام تحصیل در دارالفنون از معلمان فرهنگی فراگرفت و کم‌کم به امر تدریس پرداخت.^۴ صرف‌نظر از خدمتی که عبدالغفار به آموزش جغرافیا و تدوین کتب درسی جغرافیا انجام داد و از این نظر او را باید پیشقدم و پیشاهنگ دانش جغرافیا در تاریخ معاصر ایران دانست دو اقدام دیگر او از لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت خاص می‌باشد: ۱- تهیه نقشه تهران ۲- تعیین نفوس دارالخلافه.

میرزا عبدالغفار در علوم مهندسی و نقشه‌کشی تخصص داشت و سالها به تدریس این علوم و تربیت جوانان کشور در این رشته‌ها اهتمام ورزید، نخستین بار در سال ۱۲۶۸ هـ. ق به یاری بیست نفر از شاگردان دارالفنون نقشه اراضی جدید شهر تهران را در مدت هشت ماه کشید و از آن تاریخ که شهر تهران در داخل حصار جدید^۵ به سرعت توسعه پیدا می‌کرد، همواره تغییرات و توسعه‌های جدید را در نقشه خود وارد می‌ساخت و به عبارت دیگر کار نقشه‌برداری را ادامه می‌داد. سال ۱۳۰۵ هـ. ق کار نقشه‌برداری شهر تهران به انجام رسید و از آن پس سه چهار سال را هم صرف ترازیابی محیط شهر نمود. در سال ۱۳۰۹ هـ. ق اولین نقشه کامل شهر تهران را از خود به یادگار گذاشت و این نقشه نه فقط تا سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت بلکه اکنون هم از لحاظ تحولات بافت شهر مورد علاقه جغرافیدانان شهری می‌باشد. اقدام مهم دیگر میرزا عبدالغفار اولین سرشماری نفوس از تهران است که آن را در سال ۱۲۸۴ هـ. ق به دستور ناصرالدین شاه انجام داده است. او مدت ۵۵ روز به یاری هشت تن از شاگردان زبده دارالفنون این وظیفه را انجام داد و حاصل زحمات خود را در رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه تنظیم کرد که مورد تجزیه و تحلیل دکتر ناصر پاکدامن قرار گرفته است. میرزا عبدالغفار همچنین در آخر عمر خود کتابی به نام کفایه‌الجغرافی جدید تألیف کرد که در سال ۱۳۱۹ هـ. ق در تهران به چاپ رسید. در مقدمه

افرادى چون فریدون آدمیت که درباره امیرکبیر کتاب نوشته‌اند و یا عیسی صدیق که در زمینه فرهنگ ایران مطالعاتی داشته و نیز حسین محبوبی اردکانی که کتابی در مورد تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات آموزش عالی ایران نوشته است فقط اشاره مختصری به آموزش جغرافیا در برنامه درسی دارالفنون می‌کنند ولی از قراین چنین برمی‌آید که امیرکبیر شخصاً برای درس جغرافیا که از نظر او نقش بزرگی در تنویر افکار ایرانیان و بیداری آنان نسبت به مسائل جهانی داشته اهمیت خاصی قائل بوده است چون بنا به گفته آدمیت هنگامی که در ارزه‌الروم مأموریت مرزی تاریخی و معروف خود را انجام می‌داده با جان داودخان ارمنی آشنا شده و او را مأمور ترجمه کتابی در جغرافیا کرده است.^۶ از سوی دیگر گفته شده است که امیرکبیر قبل از افتتاح رسمی دارالفنون هزینه چاپ کتاب جغرافیای معروف فلوغون‌رفائیل را پرداخته است و چنین اقدامی از سوی امیرکبیر در مورد هیچ یک از رشته‌های دیگر علوم گزارش نشده است. بدون شک نظر امیرکبیر در تأسیس دارالفنون این بوده که مدرسه‌ای فنی و نظامی و طبی و صنعتی در ایران دایر کند. به همین جهت هنگام تأسیس دارالفنون در سال

علم جغرافیا در دوره سلطنت قاجارها تا پیش از تأسیس دارالفنون چندان مورد توجه نبود. ولی پس از آنکه رشته جغرافیا و نقشه‌کشی و مهندسی در دارالفنون زیر نظر معلمین اروپایی تأسیس و روحیه کنجکاو محصلین نسبت به آشنایی با احوال و اوضاع کشورهای جهان بیدار گردید به خصوص پس از آن که رسالات و جزوه‌های استادان اروپایی به فارسی ترجمه و چاپ و منتشر شد این علم مورد توجه قرار گرفت و «برای نخستین بار نقشه‌ای از شهر تهران بوسیله گروهی از معلمین و محصلین رشته جغرافیا و مهندسی دارالفنون ترسیم گردید و به نظر ناصرالدین شاه رسید»^۷. به علاوه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه رسالاتی در مورد جغرافیا به دستور امیرکبیر چاپ و منتشر شد. مضافاً اینکه توسعه روابط سیاسی و بازرگانی ایران با کشورهای مختلف جهان و ضرورت آشنایی با اوضاع جغرافیایی آن ممالک، ارزش و موقعیت علم جغرافیا را در میان طبقه باسواد و تحصیلکرده بالا برد. با وجود آنکه آموزش جغرافیا برای نخستین بار در دارالفنون آغاز شده است لیکن اطلاع دقیقی از کم و کیف آموزش جغرافیا در دارالفنون در دست نیست. به طوری که

صرفنظر از خدمتی که عبدالغفار نجم الملک (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ه. ق) به آموزش جغرافیا و تدوین کتب درسی جغرافیا انجام داد و از این نظر او را باید پیشقدم و پیشاهنگ دانش جغرافیا در تاریخ معاصر ایران دانست، دو اقدام دیگر او از لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت

خاص می باشد:

- ۱- تهیه نقشه تهران،
- ۲- تعیین نفوس دارالخلافه

کتاب اصول علم جغرافیا، تألیف عبدالغفار خان نجم الملک (نجم الدوله) - چاپ ۱۲۹۸ ه. ق - را بدون تردید باید نقطه عطفی در تحول فکر جغرافیایی و معرفی اصول جدید علم جغرافیای غربی که در آن زمان متداول بوده، دانست

پس از تصویب تحصیلات متوسطه و عالی در قانون اساسی معارف (۱۳۲۹ ه. ق / ۱۲۹۰ ه. ش) مدارس متوسطه به تدریج توسعه یافت. افتتاح و توسعه مدارس متوسطه به حکم ضرورت مسأله کتب درسی مدارس متوسطه را به وجود آورد و زمینه‌ای برای اشاعه علم جغرافیا فراهم کرد و دانشمندان زیادی که در رأس آنها عباس اقبال آشتیانی قرار داشت به تهیه کتب‌های جغرافیایی درسی برای مدارس متوسطه دست زدند. با همه این احوال تردیدی نیست که تاریخ آموزش واقعی در علم جغرافیا با تاریخ آموزش عالی به طور کلی همزمان است. آغاز این دوره را باید سال ۱۳۰۷ ش دانست زیرا که در این سال دو واقعه مهم به وقوع پیوست که در آموزش جغرافیا اثر فراوانی از خود باقی گذاشت. نخست تبدیل دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی که هدف آن تربیت معلم برای تدریس در مدارس متوسطه در کلیه رشته‌ها از جمله جغرافیا بود. واقعه دوم تصویب قانون اعزام محصل به خارج از کشور بود که مقرر می‌داشت تا شش سال هر سال لااقل یکصد دانشجو برای فراگرفتن فنون و علوم طبیعی و ریاضی و تعلیم و تربیت و پزشکی و مهندسی از میان فارغ التحصیلان دبیرستان‌ها یا امتحان مسابقه انتخاب و با هزینه دولت به اروپا اعزام شوند. در قانون مذکور مقرر شده بود که ۳۵ درصد از دانشجویان اعزامی در رشته‌های مختلف معلمی از جمله جغرافیا اشتغال ورزند. این قانون موجب تحصیل برخی از دانشجویان اعزامی در رشته جغرافیا و در نتیجه توسعه این علم در ایران شد.

کتابهای جغرافیایی تألیف شده در دوره قاجار:

همان طوری که پیش از این ذکر شد تا قبل از تأسیس دارالفنون علم جغرافیا چندان مورد توجه نبود ولی پس از تدریس این رشته در دارالفنون، رسالات و کتبی در زمینه علم جغرافیا تدوین یافت. کتاب جهان‌نمای فلوغون رفائیل که در سال ۱۲۶۷ ه. ق. در تبریز چاپ سنگی شد و به نیت تدریس در دارالفنون تهیه شده بود را باید نخستین کتاب جغرافیا در این دوره دانست. نویسنده کتاب خود را فلوغون رفائیل، تبعه دولت انگلستان معرفی می‌کند و در مقدمه آن می‌گوید که چون از کودکی علاقه به یاد گرفتن زبان خارجی

این کتاب مؤلف به تألیفات خود در زمینه علوم مختلف از جمله جغرافیا اشاره می‌کند و از مساحی و نقشه‌برداری‌اش از راههای تهران - محمره و تهران - بوشهر یاد می‌نماید. میرزا عبدالغفار خان از ۱۲۷۵ ه. ق تا ۱۳۱۹ ه. ق متجاوز از چهل و چهار سال به شغل معلمی جغرافیا در دارالفنون اشتغال داشته است و از این لحاظ نه فقط او را باید پیشقدم جغرافیدانان ایران دانست بلکه باید وی را بزرگترین جغرافیدان دوره دارالفنون به حساب آورد.

جغرافیدان دیگری که از این زمان شناخته شده است مهندس عبدالرزاق بغایری است که در سال ۱۲۸۶ ه. ق در خراسان تولد یافت و در ده سالگی به تهران آمد و پس از فراگرفتن علوم ابتدائی نزد پدر، جهت تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۰۴ ه. ق وارد دارالفنون شد و مدت شش سال در آنجا به ادامه تحصیل پرداخت.

بغایری در ۱۳۰۸ ه. ق اقدام به ترسیم نقشه ایران با استفاده از نقشه‌های انگلیسی و فرانسوی و روسی نمود و آن چنان نقشه‌ای با اصول صحیح و تلفظ‌های کنترل شده فراهم ساخت که سال‌ها مورد استفاده خاص و عام بود. معروف است که بغایری کره مصنوعی بزرگی برای اهدا به ناصرالدین شاه ساخته بود که در ازای آن درجه سرتیپی و معلمی مدرسه نظام به او داده شد. او همچنین نقشه‌ای از تهران آن روز تهیه کرد که از نظر مطالعه تهران در حدود صد سال پیش بسیار جالب توجه است. او این کار را به قول خودش با کمک شاگردانش در دارالفنون انجام داده است. او در تحدید حدود بین ایران و عثمانی که در سال‌های بعد از ۱۳۲۲ ه. ق صورت گرفت، مشارکت داشته و سالهای آخر عمر خود را در خدمت وزارت خارجه و در سمت رئیس اداره فنی و نقشه برداری گذرانده است. بغایری را بعد از نجم‌الملک پایستی بزرگترین چهره در آموزش و ترویج جغرافیا در سال‌های اولیه تکوین علم جغرافیا در ایران دانست.

به هر حال با ادامه فعالیت دارالفنون و بسط ارتباط با مغرب زمین و توسعه ارتباطات عمومی از طریق روزنامه و بالاخره آشنایی طبقه روشنفکر آن زمان با معارف غربی، روز به روز بر تعداد مدارس جدید افزوده شد. اولین مدرسه ابتدایی بنام «مدرسه رشديه» در سال ۱۳۱۸ ه. ق. توسط میرزا حسن رشديه در تهران تأسیس شد، پس از آن، اطلاع داریم که در سال ۱۳۲۵ ه. ق در تهران ۱۴ باب مدرسه ابتدایی وجود داشته است. توسعه مدارس به اندازه‌های سریع بود که چهار سال بعد آمار وزارت معارف تعداد مدارس تهران را ۱۲۳ باب یا ۱۰۵۳۱ شاگرد ثبت کرده است.

آنچه از تاریخ چاپ کتابهای جغرافیایی مدارس این دوره استنباط می‌شود غیر از کتاب جغرافیای مهندس الملک، از کتاب‌های کفایه‌الجغرافیای نجم‌الدوله و نیز از کتاب‌های جغرافیای غیر درسی استفاده می‌شده است. مسلم این است که جغرافیا در آن مدارس هرگز به وسیله معلم آموزش یافته و مجربی تدریس نشده و در میان برنامه درس‌ها نیاز به تخصصی نداشتند و از هر فرد باسوادی برای تدریس آن استفاده می‌شده و هدف هم حفظ کردن تعدادی اسم و اصطلاحات جغرافیایی بوده است.

داشته بعد از فراگرفتن چند زبان اروپایی به فکر آموختن زبان فارسی افتاده و به قصد فراگرفتن این زبان به ایران آمده و در تبریز اقامت گزیده و زبان فارسی را به خوبی یاد گرفته است. از مقدمه کتاب استنباط می‌شود که نویسنده این کتاب ایرانی نبوده ولی در مدت کوتاهی فارسی را طوری فراگرفته است که توانسته کتابی به این زبان تألیف نماید. نکته دیگری که از این مقدمه پیداست آن که تا زمان او کتاب جغرافیایی در ایران وجود نداشته است چون تا آن زمان مطالب جغرافیایی در ضمن کتب مسالک و ممالک آورده می‌شد و علم مستقلی بنام جغرافیا وجود نداشته است. سومین نکته اینکه مطالب کتاب را از متون فرانسه به فارسی برگردانده و در تدوین کتاب ایجاز و اختصار را رعایت کرده است. این کتاب از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده که مقدمه آن حاوی کلیات جغرافیایی و مباحثی کوتاه است از قبیل نام جغرافیا و شکل و حرکات زمین و جهات اربعه و تقسیمات زمین و جمعیت و نژادهای بشری آن چنان که در آن زمان مورد اعتماد کشورهای اروپایی بوده است. در ابتدای فصل اول (مطلب اول) در بیان اقلیم (قاره) آسیا حدود هفتاد صفحه را به شرح جغرافیای ایران اختصاص داده که در این بخش پس از ذکر حدود و وسعت و جمعیت (۱۸ کرور یا ۹ میلیون)، به شرح جغرافیایی عراق عجم، طبرستان، مازندران، گیلان، آذربایجان، کردستان، خوزستان، فارس، جزایر بحر بوشهر، کرمان، قهستان، خراسان و هرات پرداخته است. سپس در چهل و چهار صفحه به ذکر جغرافیای کشورها و ممالک دیگر آسیا پرداخته است. در فصول دیگر به شرح جغرافیای اروپا در صد صفحه، آفریقا در بیست و سه صفحه، آمریکا در سی صفحه و اقیانوسیه در هفت صفحه پرداخته است.

از جمله کتاب‌های جغرافیایی مهمی که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به چاپ رسید کتاب معروف جام‌چم تألیف فرهاد میرزا معتمدالدوله است که در سال ۱۲۷۲ ه. ق. طبع گردید.

با وجودی که جهت تدریس در دارالفنون تدوین نشده - چون حالت کتاب درسی ندارد - ولی در تحول و اشاعه دانش جغرافیا در آن زمان تأثیر داشته است. جام‌چم در ۱۴۰ باب تألیف شده که ۲۵ باب اول آن شامل کلیات جغرافیایی و مباحثی مانند زمین در فضا و طول و عرض جغرافیایی و حرکات زمین و نقشه و کرات مصنوعی و امثال آن و بقیه ابواب به شرح و تفصیل جغرافیایی کشورهای جهان اختصاص یافته است که دو باب آن شامل جغرافیای ایران است.

در باب دوازدهم در بیان تقسیمات جغرافیا آمده است که جغرافیا را بر حسب زمان بر سه قسمت کرده‌اند: جغرافیای قدیم مشتمل به شروخی است که از احوال دنیا یونانیان و رومیان اطلاع خودشان را در آن بیان کرده‌اند. جغرافیای مقدس محتوی تفاسیری است از خلقت دنیا تا زمان حضرت عیسی که شامل یک زمان چهار هزار و چهار ساله است و این قسمت جغرافیا در کتب مؤسسه سماوی و تواریخ آن عهد بیان شده و جغرافیای جدید مشتمل به تفصیلی است که اکنون از کیفیت صفحه زمین و ممالک و قوانین و قواعد

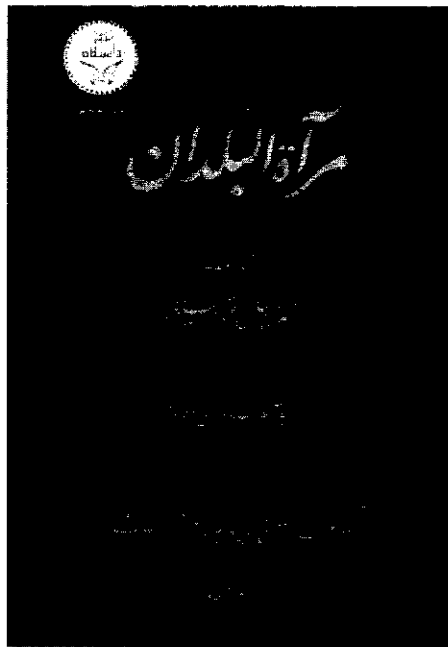
و مذهب و نفوس و محصولات هر جا به طور یقین تخمین در دست است.

در همین باب درباره دو قسم دیگر از جغرافیا یعنی جغرافیای مهندسی و جغرافیای نجومی مطالبی آمده است. در ابواب مربوط به تقسیمات و حرکات زمین و دوائر مدار و نصف النهار مطالب علمی و جالبی نوشته شده که در برنامه‌های درسی کلاس‌های دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد. به علاوه آنکه در شرح اقیانوس‌های زمین متضمن مطالب ارزشمندی است.

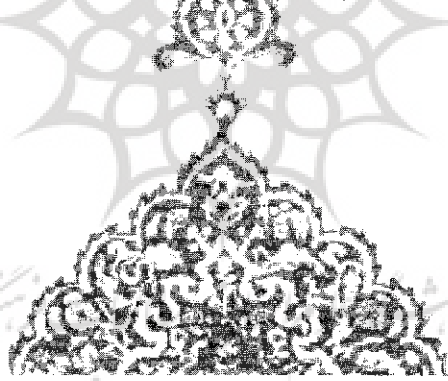
از مجموع ۱۴۸ باب کتاب جام جم دو باب به ایران اختصاص داده شده که یک باب آن دو صفحه و دیگری ۲۲ صفحه است و چون نویسنده درباره ایران مطالب تاریخی زیاد داشته، از حیث جغرافیا مطالب ایران از بقیه فصول کمتر است ولی در بخش تاریخی ترجمه کامل کتیبه بیستون را که بوسیله راولینسن تفسیر شده گنجانده است. از مزایای بزرگ کتاب جام جم فهرست الفبایی تمام شهرهایی است که در کتاب بدان‌ها اشاره شده و در هر مورد نام و جمعیت هر یک از لحاظ وقوع در ناحیه یا کشور نیز ذکر شده است. این کتاب در زمان خود بزرگترین منبع اطلاعات جغرافیایی و تاریخی بوده و به صورت دایره‌المعارف کوتاهی مورد استفاده واقع می‌شده به طوری که پاره‌ای از اصطلاحات مندرج در آن تا سالها بعد در میان جغرافیدانان متداول بوده است. ۱۲. از جمله کتاب‌های دیگر که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تدوین یافته کتاب مرآة البلدان است. کتاب مرآة البلدان چنان که از نامش پیداست کتابی است در شرح شهرها و قرا و قصبات ایران بزرگ که شامل منطقه‌ای بوده است از «رود سیحون تا ماوراء فرات و از دربند باب الابواب در شمال بحر خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس».

این کتاب که بر اساس کتب جغرافیایی مؤلفین قدیم و سفرنامه سیاحان و مکتشفین جدید نوشته شده متأسفانه ناتمام مانده و تنها چهار مجلد از آن تألیف یافته، آن هم نه چهار مجلد در جغرافیا بلکه از این مجلدات تنها جلد اول و چهارم مربوط به جغرافیاست و جلد‌های دوم و سوم شرح سلطنت سی ساله ناصرالدین شاه از آغاز سلطنت وی در ۱۲۶۴ هـ. ق تا ۱۲۹۴ هـ. ق است. جلد اول این کتاب تا پایان حرف «ت» و کلمه «تهران» نوشته شده است. از اینجا به بعد به مناسبت کلمه «تهران» که پایتخت دولت قاجاری بوده، به شرح سلطنت سی ساله ناصرالدین شاه پرداخته شده و در حقیقت جلد دوم و سوم تاریخ است و با دو جلد اول و چهارم که جغرافیاست تفاوت اساسی دارد. به عبارت دیگر جلد دوم و سوم مرآة البلدان شامل بخشی از مطالب جلد سوم منتظم ناصری است که شرح وقایع سالهای ۱۱۹۴ تا ۱۲۶۴ هـ. ق می‌باشد، یعنی شرح وقایع سلطنت آقا محمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه در ابتدای آن و شرح حوادث سال‌های بین ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ هـ. ق. در انتهای آن افزوده شده است. در واقع حوادث سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۹۴ هـ. ق کتاب منتظم ناصری مطالب جلد دوم و سوم مرآة البلدان را تشکیل می‌دهند.

مرآة البلدان به ترتیب الفبایی و بیشتر بر اساس مطالب کتاب معجم البلدان تألیف یاقوت حموی تنظیم شده است ولی مطالب دیگر جغرافیدانان اسلامی و ایرانی چون ابن الفقیه ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق مؤلف مختصر البلدان و احمد بن ابی یعقوب ملقب به ابن واضح مؤلف البلدان و ابوالحسن علی مسعودی مؤلف مروج الذهب و حمدالله مستوفی مؤلف نزهة القلوب و ابن بطوطه نویسنده تحفه‌النظار یا سفرنامه ابن بطوطه و امثال آنان را نیز مورد مطالعه و



**مطلع الشمس که در سال ۱۳۳۱ هـ. ق
توسط فضل‌الله بدایع نگار آستان
قدس رضوی در مشهد به چاپ
رسیده است، احتمالاً تنها اثر
جغرافیایی در زبان فارسی است که
به نظم درآمده است**



استفاده قرار داده است. اعتمادالسلطنه برای تهیه این کتاب از بررسی سفرنامه‌های سیاحان و بازرگانان خارجی نیز غافل نمانده بلکه از این منابع ارزنده نیز به قدر کافی سود برده و در بسیاری از موارد به تفصیل تمام از کتابهای شاردن و تاورنیه و نظایر آنان نقل کرده و بر غنای کتاب افزوده است. با این حال کتاب مرآة البلدان ناتمام مانده و این تألیف از چهار جلد تجاوز نکرد. جلد اول آن با حرف «ا» و کلمه «ایح» آغاز شده و با حرف «تا» و کلمه «تهران» تمام می‌شود. جلد چهارم آن نیز با حرف ج و کلمه «جی» خاتمه یافته است.

اعتمادالسلطنه خود در شرح مطالب مرآة البلدان می‌نویسد هدف کلی وی نوشتن جغرافیای فعلی ایران نبوده بلکه هدف از تألیف این کتاب نوشتن تاریخ شهرها و حوادث مهمی است که در زمان‌های گذشته روی داده است بنابراین خوانندگان این کتاب به راحتی می‌توانند از جغرافیای تاریخی شهرها و حتی روستاها و حوادثی که در آنها روی داده است به طریق اختصار آگاهی یابند. البته پیش از توصیف مناطق جغرافیایی ایران دو فصل مختصر در تعریف طول و عرض جغرافیایی و اقلیم سبعة آورده است. اعتمادالسلطنه در فصل

مربوط به طول و عرض جغرافیایی، به توصیف جهات چهارگانه زمین و چگونگی تقسیمات جغرافیایی بر اساس خط استوا پرداخته و می‌نویسد:

«دایرة استوا که مرور کرده است بر مرکز زمین و قائم‌است بر خط واصل ما بین دو قطب شمال و جنوب و به این دایره کره زمین به دو جزء متساوی قسمت می‌شود آن جزء که به سمت شمال افتاده نصف شمالی کره زمین است و آن نصف دیگر نصف جنوبی و بقاع خط استوا امر واضع زمین است از آن جهت که اشعه آفتاب به طور قیام در آنجا فرود آید».

وی همچنین در توصیف نصف‌النهار می‌نویسد:

«دایرة نصف‌النهار آن است که مرور نماید بر قطبین زمین و بر نقطه سمت الراس و این قائم باشد بر دایرة استوا و کره زمین را بر دو جزء قسمت کند که یک جزء را نصف شرقی و جزء دیگر را نصف غربی نامند... در زمان قدیم چون منتهای آبادی در جهت مغرب جزایر خالدات را می‌دانسته‌اند جزیره فر* را که غربی آنهاست مبداء طول گرفتند و این مبداء را هنوز در ایران و ممالک آلمانی معمول دارند و اما در فرانسه به فرمان لوئی سیزدهم، در سال هزار و چهل و چهار هجری، مبداء را از پاریس گرفتند از دایرة نصف‌النهاری که به رصدخانه آنجا گذرد و حال این مبداء در اکثر ممالک معمول است.»

در فصل مربوط به «اقلیم سبعة و حدود آن» بر اساس نظریه مقدمین به توصیف ربع مسکون پرداخته و می‌نویسد: مقدمین ربع مسکون را واقع در نیمه شمالی کره زمین دانسته و اعتقادی به وجود حیات در جنوب خط استوا نداشته‌اند. وی همچنین می‌نویسد مقدمین جزیره فر را مبداء یا منتهای ربع مسکون می‌دانستند و از زمان بطلمیوس همان جزیره را مبداء طول جغرافیایی می‌گرفتند. ربع مسکون به هفت اقلیم تقسیم می‌شد که طول هر کدام از مغرب بود به سمت شرق و عرض هر کدام را چنان اختیار می‌کردند که به ترتیب «فضل اطول ایام یکی برتالی خود نیم ساعت باشد» و هر یک از این هفت قسمت را اقلیمی می‌خواندند و خط استوا به عنوان مبداء اقلیم اول در نظر گرفته می‌شد. اعتمادالسلطنه همچنین در آغاز جلد اول مرآة البلدان، در توصیف زمین که «خلاق عالم مسکن بنی‌آدم» قرار داده است می‌نویسد که زمین از حیث آب و هوا متنوع و شگفت‌انگیز است. در وسط «بخارذخار» که سه پنجم کره زمین را در بر می‌گیرد جزایری مشاهده می‌شود که برخی لم یزرع و خراب و برخی دیگر مسکون و آباد است. وی همچنین به معرفی بنادر جهان از لحاظ عمران و آبادانی و قابل کشتی‌رانی بودن یا غیر معمور و خطرناک بودن آنها می‌پردازد و در توصیف قطبین و استوا می‌نویسد:

«حوالی قطبین همیشه در شدت برودت و دریاها و اراضی آن پیوسته منجمد و پوشیده از یخ است و اراضی محاذی خط استوا به شدت گرم یا معتدل است.»

وی همچنین به تفاوت در نژاد انسانی اشاره کرده می‌نویسد:

«هالی بعضی قطعات ابيض و بعضی قطعات دیگر اسودند. سکنه چین و ژاپن و مغولستان را رنگ گونه و خلقت بشره دیگر گون بلکه سایر اعضایشان شباهتی با اجزای سایر مخلوق ندارند. اجساد وحشیهای ینگی دنیائی همچون رنگ مس سرخ است.»

اعتمادالسلطنه در خصوص پیشرفت‌های تمدنی جدید از قبیل احداث راه آهن و ساخت کشتی‌های بخار می‌نویسد در گذشته به دلیل نبودن راه ارتباط میان ملل با یکدیگر

خیلی دشوار بود لیکن حالا به واسطه راه آهن مسافرت از جبل الطارق به دامنه کوه آرال بسیار آسان است و یا اینکه بوسیله کشتی های بخار می توان در کمال سهولت از محیط اتلانتیک (اقیانوس اطلس) به پاسیفیک (اقیانوس آرام) رفت و در اغلب دریاها سفر نمود. اعتمادالسلطنه همچنین به اهمیت و نقش تکنولوژی جدید در ایجاد روابط بین المللی اشاره کرده می نویسد:

«حالا به واسطه سهولت مرآمده تمام کره ارض را می توان مخلوق واحد شمرد و ملل مختلفه سکنه این کره را که در قدیم از یکدیگر دور و بی خبر و از حال هم مستحضر نبودند به یکدیگر شناساند.»

وی همچنین در خصوص اکتشافات جغرافیایی و تلاش دانشمندان برای شناسایی بیشتر زمین می نویسد:

«در این زمان مخصوصاً میل به انکشاف نقاط غیر معلومه زمین در جمیع خواطر راسخ و به ترقی و شیوع این مطلب، قلوب مایل است و به قدری پیروی این علم را کرده اند که می توان گفت الحال قطعه ای از قطعات ربع مسکون و نقطه ای از نقاط اربعه ثلاثه حالیه نیست که مسافری و طالبین این فن به رای العین ندیده و شرح آن قطعات و نقاط را کماهی به رشته تحریر نکشیده باشند و فی نفس الامر چه علمی ارفع و چه اطلاعی انفع از این است که مردم بصیرت و معرفت به احوال سیاره ای که در آن ساکن اند به هم رسانند و وضع جبال و تلال و شطوط و انهار و قصبات و قری و امصار این کوکب سیاره که مسکن این بشر خاکی خاطی بی خبر است بدانند و از تقسیم آن به اقالیم به نثر و حد هر مملکت بلد و بصیر و به احوال گذشته و حالیه آن اماکن خبر شوند.»

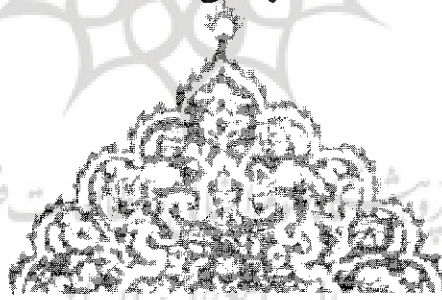
در مورد چگونگی تنظیم و تدوین کتاب مرآة البلدان، اعتمادالسلطنه طبق پرسشنامه ای از حکام ولایات و ایالات ایران خواست تا کلیه اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را گردآوری نموده و به دفتر دارالتألیف ارسال دارند. از سوی دیگر مراتب را به شاه نیز عرضه داشته و از او درخواست کرد که در این زمینه وی را تأیید و تقویت نماید.

ناصرالدین شاه هم که به تاریخ و جغرافیا علاقه مند بود، توسط میرزا علی خان امین الملک، دستوراتی در تأیید اعتمادالسلطنه صادر کرد تا حکام ولایات هر چه زودتر اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را به تهران بفرستند. ظل السلطان هم که در آن تاریخ بر نیمی از ایران یعنی بر اصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان (خوزستان) و لرستان و کرمانشاهان و کردستان و گلپایگان و خوانسار فرمانروایی داشت به تقلید از پدر به ولایت و حکام زیردست خود دستور کتبی فرستاد که هر یک از آنان مطالب مربوط به حوزه حکومت خویش را تهیه نموده ارسال دارند. ولی از آنجایی که حکام و ولایات نه سواد این کار را داشتند نه فرصت و رغبت آن را، در هر شهر یک یا چند نفر از دانشمندان و اهل اطلاع و علاقمندان به تاریخ و جغرافیا و جمعی از مطلعین محلی را انتخاب کردند و از آنان خواستند تا اطلاعات مورد نظر را جمع آوری و ارسال نمایند. با این حال، مطالب مورد نظر به موقع نرسید و اعتمادالسلطنه نتوانست به ادامه تدوین این کتاب بپردازد. اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۴ هـ. ق که کتاب مطلع الشمس را تألیف کرده، در آغاز آن کتاب، در مورد ادامه نیافتن کار تدوین مرآة البلدان می نویسد:

«شاید بعضی از مطالعه کنندگان اوراق، فرض و گمان کنند که ما از جاده اصلی خود خارج شده به واسطه صعوبت مسلک و مشکلاتی که چنین راهی را بالطبع در پیش است از آن طریق عدول کرده و منحرف گردیده ایم و از نگارش



فارسنامه ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسائی، آئینه تمام نمای تاریخ و جغرافیای فارس در دوره طولانی بعد از اسلام تا اوایل قرن چهاردهم هجری است که دقیق ترین و نادرترین اطلاعات را درباره منطقه فارس با بیانی ساده به خوانندگان ارائه می کند



مجلدات مرآة البلدان ناصری که سامع و قایل به ملاحظه سطور و فصول آن شائق و مایل می باشند صرف نظر نموده ایم اما پس از آن که به عین رضا در این صحیفه تصفح نمودند یقین نمایند که مقصودی از تألیف منتظم ناصری جز جمع آوری اسناد و اسباب این خجسته کتاب نداشته و آن حشو ملیح عذر صریح تمویق و مؤید میل طبیعت و تشویق و تلافی بیکاری ایام تعطیل و اشتغال به نوعی از تحصیل بوده...»

همچنین در انتهای کتاب مطلع الشمس، اعتمادالسلطنه اظهار امیدواری می نماید که مجلدات دیگر مرآة البلدان نوشته آید.

به هر حال اگرچه کار تألیف مرآة البلدان به دلایلی که بر ما پوشیده است، ناتمام ماند ولی در طول سالها مقدار زیادی اطلاعات جغرافیائی (جغرافیای تاریخی) از ولایات مختلف به اداره دارالتألیف که زیر نظر اعتمادالسلطنه بود واصل شد و ظاهراً همه آن اطلاعات محفوظ باقی مانده است. این مطالب که در اندازه های متفاوت نوشته شده در هشت دفتر به قطع رحلی جلد شده تا از جا به جایی یا گم شدن اوراق جلوگیری شده باشد. شرح مفصل این هشت

دفتر که در کتابخانه وزارت دارایی ثبت و ضبط گردیده در فرهنگ ایران زمین (جلد ششم) به قلم استاد ایرج افشار آمده و محتویات هر دفتر معرفی شده است. در این مجموعه اغلب بدین مطلب تصریح شده که به امر شاه قاجار یا به دستور اعتمادالسلطنه فراهم آمده و پیداست که چون همگی مربوط به جغرافیای ولایات مختلف و دارای شماره نفوس و نوع معیشت و شرح حال علما و فضلا و وصف ابنیه و آثار هنری و ذکر حدود و مختصات شهرها و ولایات است، همان منابع و مطالب کتاب مرآة البلدان بوده که اعتمادالسلطنه فرصت نیافته آن اطلاعات را در تهیه و تنظیم مجلدات بعدی مورد استفاده قرار دهد.^{۱۲}

از جمله کتاب های دیگر اعتمادالسلطنه که در زمینه جغرافیا تدوین یافته کتاب التدوین فی احوال جبال شروین یا تاریخ سواد کوه مازندران است. این کتاب توسط مصطفی احمدزاده در سال ۱۳۷۳ تصحیح و چاپ و منتشر شده است. اعتمادالسلطنه در مورد نامگذاری این کتاب که راجع به تاریخ و جغرافیای سواد کوه می باشد می نویسد:

«در زمانی عرب معرفت به حال ناحیه ای سواد کوه بهم رسانیده که حکمران آن را شروین می گفته اند. لهذا آن قوم این کوهستان را منسوب و مضاف به آن اسم کرده، جبال شروین در کتب خود ضبط کرده اند. پس ما هم به مصنفین عرب که در آن وقت مصادر علوم و اعلام درایت بوده، اقتدار نموده، کتاب تاریخ و جغرافیای سواد کوه را موسوم به کتاب التدوین فی احوال جبال شروین نمودیم»^{۱۳}.

اعتمادالسلطنه در مورد وجه تسمیه سوادکوه چنین توضیح می دهد: «سواد کوه به اسم یکی از جبال مشهور آن جا موسوم شده و آن کوه در جنوب شرقی قصبه ای چرات از بلوک محال و لوبی، که یکی از دو محال سوادکوه می باشد، واقع شده، و اهالی فعلاً، آن کوه را سوات می گویند.»

در این کتاب راجع به جغرافیای تاریخی مازندران و دریای خزر و اقوام آن منطقه، احوال و عادات طوایف مازندرانی در دوره های مختلف تاریخی، مطالب ارزشمندی آمده است. به علاوه آنکه مطالبی در مورد ضرب سکه، جبال مازندران، حالت حالیه ای سواد کوه، مختصری در حالات سواد کوه و مازندران، فواکه و اشجار و طیور و وحوش سوادکوه، در آغاز این کتاب آورده شده و تاریخ سواد کوه در هشت فصل بدین شرح ذکر شده: فصل اول در ظهور اسلام در ولایات سوادکوه و هزار جریب و بندپی در ضمن سایر بلاد طبرستان و مازندران از جلگه و کوهستان به نحو اجمال. فصل دوم در ذکر احوال داعیان و سبب آمد و شد سادات به طبرستان و اصقاع و اربع آن و تسلط ایشان در آن ممالک و ذکر خروج داعی کبیر. فصل سوم در احوال ملوک باوند. فصل چهارم در استیلای آل باوند نوبت دوم. فصل پنجم در حکومت علاءالدوله حسن بن رستم. فصل ششم در حکومت حسام الدوله شاه اردشیر، فصل هفتم در حکومت شمس الملوک رستم بن اردشیر. فصل هشتم در استیلای آل باوند نوبت دیگر در مازندران، سلسله نسب آل باوند، ملوک قازنون، ملوک بادوسپان، سلطنت اولاد بادوسپان بن جبل رستمزار، اولاد دابویه، اولاد بادوسپان در رستمزار، مدت حکومت آل قازن در طبرستان، مدت ایالات آل وشمگیر، مدت حکمرانی آل باوند در مازندران، دولت متغلبین از نواب خلفا و داعیان و ذکر فتح قلعه فیروزکوه و دیگر قضایا.^{۱۴}

از جمله کتاب های دیگر جغرافیا که در طول سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ. ق توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه یا به دستور ایشان به رشته تحریر در آمده کتاب ارزنده ایست به نام مطلع الشمس که به هنگام سفر ناصرالدین شاه به

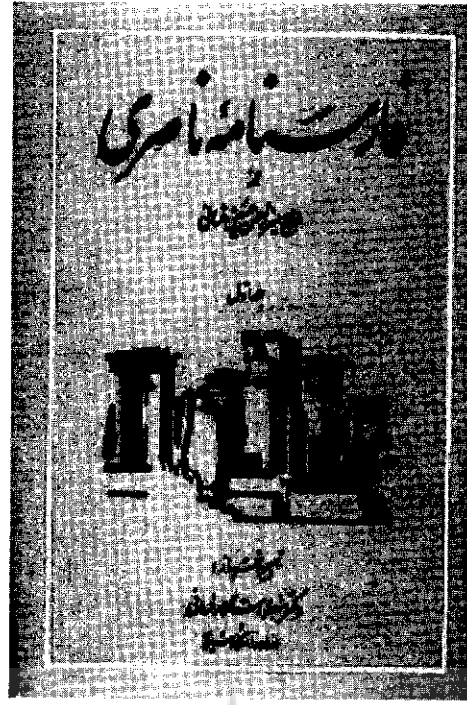
خراسان نگارش یافته است.

این کتاب به مناسبت استقرار بارگاه حضرت رضا در خاک خراسان و نیز موقعیت جغرافیایی این منطقه در شرق ایران، مطلع الشمس نام نهاده شده است. مطالب این کتاب که در سه مجلد تدوین یافته بدین شرح است:

در جلد اول پس از حمد و ثنا و اظهار تعارفات مرسوم نسبت به ناصرالدین شاه و افتخار سیر و سیاحت در رکاب سلطان قاجار، با ذکر چگونگی روستاها و شهرکهای جاده فیروزکوه شروع می شود و با شرح نکاتی راجع به شهرها و آبادی های مسیری که به خط کناره معروف بوده و از حاشیه جنوبی دریای مازندران می گذرد تا به خراسان و شهر مشهد می رسد ادامه می یابد.

دقت نظر و توجه نویسنده به جزئیات ویژگی ها و مسائل جغرافیایی و تاریخی و بافت جوامع روستایی و شهری به کتاب مطلع الشمس اهمیت خاصی می بخشد. سعی نویسنده بر آن است تا تصویر جاندار و گویایی از روستاها و شهرهای ایران پیش چشم خواننده به نمایش بگذارد. با مطالعه چند صفحه نخستین کتاب به خوبی معلوم می شود که نویسنده از اطلاعات وسیع تاریخی و معلومات عمومی گسترده در زمینه های گوناگون برخوردار است و با دقت خاصی به تشریح مواضع و توضیح اماکن مختلف می پردازد. کار نویسنده تشریح موقعیت جغرافیایی آبادیها، ذکر تعداد خانوار و بازگو کردن نکات تاریخی مربوطه، بیان کیفیت دکان ها و کالاهای بازرگانان، ثبت اسامی مساجد و امامزاده ها و درج تعداد آنها، تعیین تعداد مکتب خانه ها و مدارس با ذکر عدد شاگردان هر یک از آنها، آمار کاروانسراها، حمامها و خلاصه قرائت و ثبت و ضبط کتیبه ها و فرامین و همانند اینهاست. نویسنده همچنین برای خروج از یک تحقیق صرف جغرافیایی، گهگاه به مناسبت، شمری فارسی، عربی یا ترکی چاشنی کار خویش می کند و یا به نقل داستانی از شاهنامه فردوسی مبادرت می ورزد. به افسانه های رایج عامه توجه خاصی دارد و گهگاه برای اطلاع بیشتر خواننده به معنی کردن واژه ها دست می زند. موقعیت شهرهای بزرگ و طول و عرض و ارتفاع آنها را از سطح دریا پیش چشم دارد و ارقامی را بیان می کند که توسط کارشناسان خارجی برآورد شده است.

محمدحسن خان در تدوین کتاب از منابع تاریخی و ذخائر ادبی و فرهنگی سود جسته و از کتابهایی چون حبیب السیر، عالم آرای عباسی، احسن التواریخ، تاریخ طبرستان و مازندران، روضه الصفا، تجارب السلفه الکامل، مطلع سعدین، نزهت القلوب، سلجوقنامه و سفرنامه های سیاحان ایرانی و خارجی بهره برده است. پس از بیان چگونگی موقعیت جغرافیایی و نکات تاریخی هر شهر، به ترجمه احوال بزرگان آن شهر می پردازد و گهگاه در مورد اشخاص از اظهار نظر شخصی کوتاهی نمی کند. برای تبیین بیشتر مطالب گاهی با خطوط ساده، طرحی از سکه ها و سنگ قبرها و سجع مهرها ترسیم می کند و پیوسته سعی دارد که کتاب از طراوت و بار ادبی خالی نشود. با این ترتیب جلد اول به شهر طوس ختم می شود و برای محتوای بیشتر در پایان جلد نخست همان گونه که مرسوم این دوره است به ذکر اتفاقات مهم سال های ۴-۱۸۸۳ م. سایر کشورها دست می زند و سپس اهم وقایع داخل مملکت را از نوروز سال ۱۳۰۰ ه. ق. الی روز ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۰۱ بازگو می کند. آنگاه جدول تقویم سال ۳۰۱ ه. ق. را مشروحاً با در نظر گرفتن تقویم عربی، فارسی و فرانسوی و نصف النهار ترسیم و سرانجام لیست سلاطین قاجار را با بیان نام، سال



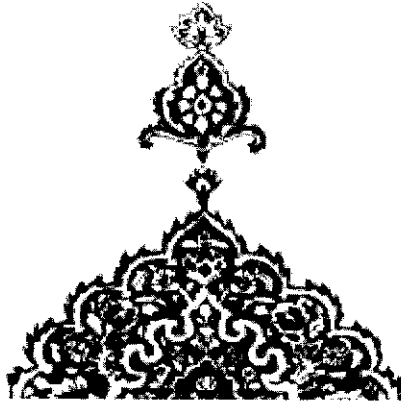
- «جام جم» «مرآت البلدان»
- «اصول علم جغرافیا» «التدوین فی احوال جبال شروین»
- «مطلع الشمس» «گنج دانش»
- «جغرافیای معرفه الارض»
- «جغرافیای ریاضی و هیئت»
- «علم جغرافیا» «کفایه الجغرافی جدید طبیعی و سیاسی» «فارسی نامه ناصری» «جغرافیای حاجی مفاخر»
- «جغرافیای محمد صفی خان»
- «اصول علم جغرافیای ایران»
- «مطلع الشمس» و «تحفه الافاق»
- عمده ترین کتابهای جغرافیایی هستند که تقریباً در عصر قاجار نگارش یافته و در نوشتار حاضر معرفی شده اند

ولادت، سال جلوس، مدت سلطنت، سال رحلت، مدت عمر و مدفن هر یک به آن اضافه می کند، و به دنبال آن تحت عنوان «سلطنت عظمی» به ذکر سال تولد و سال جلوس و فرزندان و نواده و برادران و خواهران و اعمام ناصرالدین شاه و سایر امیرزادگان می پردازد. سپس مختصراً از دوایر دولتی و مناصب رجال از دربار گرفته تا ولایات و ایالات از کشوری تا لشکری یاد کرده و نام معلمین خارجی و تقسیمات لشکری و سرکردگان سپاه را به آن اضافه می کند. جلد دوم مطلع الشمس با این ابیات که گویای وجه تسمیه آن است شروع می شود:

مطلع الشمس است آن شهری که جان
با وجودش می بیند در جنان
مطلع الشمس است آن فرخ بلد
طیب و طاهر، امین و مستند
مطلع الشمسی نه چون خاور به جاه
مطلع الشمس مطاف مهر و ماه
مطلع الشمسی فروغ افزای طوس
نجم شارق، مشرق شمس الشموس
مشهد است و شاهد و مشهور من
موطن من معنی نم الوطن

و آنگاه شهر مشهد را توصیف می کند و جای جا به اقوال نویسندگان و سیاحان سایر کشورها همانند خانیکوف روسی و فریه فرانسوی و دکتر اول دیتر آلمانی استناد می کند. در شرح حرم مطهر و متعلقات آن دقت نظر خاصی نشان می دهد و بدنبال آن عین روزنامه شاه طهماسب صفوی را نقل، سپس متن سنگ مزار بعضی از شاهزادگان و بزرگان را بازگو می کند. صورتی از بعضی مباشرین تولیت آستانه، با کارهایی که کرده اند ارائه می دهد و پس از خاتمه توصیف مشهد، تعداد مدارس و کاروانسراها و متن کتیبه ها و جز آن را یادآور می شود و برای لطف بیشتر، خلاصه ای از روضه الصفا ناصری را ذکر می کند و بدنبال ترجمه احوال شعرا و برگزیدگان مشهد، به عنوان تکمله، فهرست کتاب های آستانه قدس رضوی و نقشه ای از شهر مشهد را اضافه می کند جلد سوم این کتاب که در سال ۱۳۰۳ ه. ق. نوشته شده، پس از مقدمه و ذکر پاره ای مسائلی جزئی و شخصی، حاوی ادامه سفر و بازگشت به تهران از طریق نیشابور و دامغان است. این جلد هم مانند جلد اول تشریح اوضاع هر یک از قراء و بلاد است و سرانجام به بیان موقع آبادی خوار در مجاورت تهران ختم می گردد. در پایان جلد سوم هم تقویم سال ۱۳۰۳ و مطالب مشابه در تکمله جلد اول اضافه شده است.^{۱۲}

از جمله کتاب های دیگر جغرافیا که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تدوین یافته است کتاب اصول علم جغرافیا تألیف عبدالغفار خان نجم الملک (نجم الدوله) می باشد که در سال ۱۲۹۸ ه. ق. در تهران با چاپ سنگی زیور طبع گرفت. این کتاب در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و به اشاره علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم و وزیر کل تلگراف های ممالک محروسه تهیه و تدوین شده است. مؤلف کتاب ضمن تجلیل و تعریف از ناصرالدین شاه و وزیر علوم وی می گوید که او خود در تاریخ تحریر یعنی ۱۲۹۸ ه. ق. بیست سال تمام در دارالفنون به معلمی کل ریاضی اشتغال و در رشته علوم چندی از قبیل حساب و هندسه و جبر و مقابله و مثلثات و نقشه کشی و تسطیح و هیئت جدید عالم و جرافقال و قلعه سازی و پل سازی و راه سازی و غیره کتابها ترجمه و تألیف نموده و من جمله ده سال قبل یعنی در ۱۲۸۸ ه. ق. کتابی در جغرافیا مناسب حال

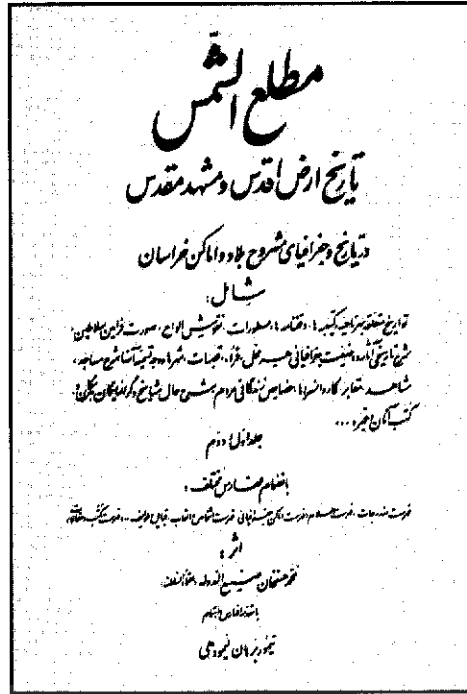


مدرسه مبارکه نگاشته است که کتاب مورد بحث در واقع چاپ دوم با اصطلاحات ضروری بشمار می‌رفته است. از گفتار مؤلف در مقدمه کتاب می‌توان استنباط کرد که کتاب نجم‌الملک لااقل بیست سالی که او در دارالفنون تدریس می‌کرده کتاب درسی بوده است. کتاب اصول جغرافیا مشتمل بر دو بخش بوده که در بخش اول آن تمام مسائلی که بعدها به کلیات جغرافیایی از آنها یاد می‌شود گنجانده شده بود از جمله درباره اصول هیئت جدید (زمین در فضا) و اوضاع بسیط زمین و رشته جبال عظیمه (ناهمواری‌ها) و مجموعه‌ای در باب نژاد انسان و درجات تمدن و تربیت طوایف و مشاغل و صنایع ایشان و محصولات ارضیه که در اکتاف عالم موجود است (اصول جغرافیای انسانی) به تفصیل آمده است. بخش دوم آن، شرح جغرافیای طبیعی و دولتی (سیاسی) اجزای پنج گانه عالم ذکر شده است. کتاب اصول علم جغرافیا را بدون تردید باید نقطه عطفی در تحول فکر جغرافیایی و معرفی اصول جدید علم جغرافیای غربی که در آن زمان متداول بوده، دانست. در تعریف جغرافیا مؤلف بعد از شرح معنی لفظی جغرافیا و ترکیب آن از کلمه ژئو (زمین) و گرافی (شرح حال) فوائد و کاربرد این علم را برمی‌شمارد و خواننده را به آموزش آن تشویق می‌کند. او جغرافیا را از دو نظر تقسیم‌بندی می‌کند که در یکی آن را حکایتی (سرگذشت) و صورتی (نقشه‌های جغرافیایی) می‌داند و گوید که از حیث دیگر جغرافیا هر چند قسم باشد طبیعی و دولتی و جنگی و تاریخی و تجاری و نباتی و امثال آن و عمده مقصود ما شرح در قسم اولست که طبیعی باشد و دولتی و مسلم است که منظور او از دولتی آن بوده که بعدها به جغرافیای سیاسی شناخته شده است.

در بخش کلیات جغرافیایی آنچه نجم‌الملک درباره زمین در فضا و سیارات و ابعاد و تقسیمات زمین و مدارات و نصف‌النهارات و حرکات زمین و طول شب و روز و فصول و جزر و مد و انواع تصاویر و اصول تهیه نقشه‌ها و انواع تصاویر جغرافیایی و امثال آن می‌گوید در اصول همان است که هم اکنون هم با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود در پایان بخش کلیات نویسنده حدود ۲۰ صفحه را به تعاریف جغرافیایی و اصطلاحاتی که جغرافیدانان باید بدانند اختصاص داده از قبیل: آبخوست (جزیره) آبخوستک (جزیره کوچک) قطر و ناحیه و کشور و اقلیم و ارض و دیار (هر قطعه از زمین اعم از آن که در آن حدود دولتی منظور باشد یا نباشد) زبانه (شبه جزیره)، شاخه و خلیج (آب دریا که اندک در خاک داخل شود) مذهب و مذنب و ملاحی و مذنب خشکی و مذنب حفظ صحت و مذنب آبیاری (انواع کانال).

در بخش دوم نجم‌الملک نخست حدود قاره‌ها و اقیانوس‌ها و جزایر دریاها و کوهها و رودها و خطوط ارتباطی را ذکر می‌کند، سپس به شرح نژادهای انسان و جمعیت روی زمین که تا قریب دو هزار و هشتصد کرور تخمین زده شده است و نهادهای سیاسی و مذهبی و ذکر تعداد مسلمانان جهان نزدیک به ۳۴۰ کرور می‌پردازد و نیز در تعریف جغرافیای مدنی می‌نویسد جغرافیای فلاحی و صنعتی و تجاری را بر روی هم جغرافیای مدنی گویند به علاوه آنکه مختصری از جغرافیای حیاتی آورده است. در خاتمه این کتاب شرح تفصیلی جغرافیای قاره‌ها بر اساس تقسیم‌بندی‌های منطقه و سیاسی زمان خود آورده است.

کتاب گنج دانش تألیف محمدتقی خان متخلص به حکیم از دیگر کتابهای جغرافیایی این دوره است که در سال ۱۳۰۵ ه. ق. در تهران با چاپ سنگی، چاپ و منتشر شده



است.

در آغاز کتاب فهرست اسامی مورخین و جغرافیدانانی که نویسنده از آفا آنان استفاده کرده ذکر شده است. سپس تحت عنوان «اعلان» در معرفی کتاب چنین آمده است: «این کتاب گنج دانش که مجمع منتخبات کنوز اهل...

از روی کتب حکمای فاضل و فضلالی کامل و مورخین یونانی و مصنفین فرنگی و مؤلفین و کمترین ایرانی منتخب و تألیف شده، شرح بلاد معظم ممالک ایران و شمه از عصر بعضی از شهریاران و اتفاقات واقعه در هر زمان به مناسبت جا و مکان از جنگ و بیکار و صنایع و حرفه خلق و عصر آن زمان و افتخارات ایرانیان شرح داده و ترتیب حروف را در اسامی بلاد ملاحظه نموده و نیز در ضمن شرح هر بلدی به مناسبت کلام که اسمی از سلاطین نامدار و شهریاران تاجدار و پادشاهان با عز و اقتدار یا سران و سرداران نامی و اسپهبدان گرامی یا مذاکرات از شهرهای قدیم که تغییر نام و جا و آبادی یافته بنا بر تسلسل رشته کلام ذکر شده و در ضمن شرح همان مملکت بیان نموده به نمره و اعداد سرصفحه‌ها مرتب داشته‌ایم».

همچنین در قسمت دیباچه فهرست اسامی مورخان و سیاحان و استادان و معلمین جغرافی فرنگی، عثمانی، یونانی، مسلمان و هندی که تألیفاتی راجع به جغرافیای ایران داشته، آورده شده است. سپس فهرست اسامی شهرهایی که در کتاب آمده، به ترتیب الفبایی نوشته شده است. این کتاب که در ۵۷۳ چاپ شده با کلمه «آباد» آغاز و با کلمه «یونان» خاتمه یافته است.^{۱۱}

کتاب «جغرافیای معرفه الارض» تألیف محمود مشاورالملک ناظم تلگراف خانه مبارکه نیز از کتب جغرافیایی این دوره است که در ۱۵۳ صفحه در سال ۱۲۸۹ ه. ق. در تهران به چاپ رسیده است. در مقدمه کتاب نویسنده می‌نویسد که کتاب را به دستور مخبرالدوله علیقلی خان سرتیپ اول و رئیس تلگرافخانه کل ممالک محروسه ایران از فرانسه به فارسی برگردانده است. چند صفحه اول این کتاب به شرح اصطلاحات جغرافیایی اختصاص داده شده و معادل‌های فارسی برای اصطلاحات جغرافیای طبیعی و سیاسی فرانسوی نوشته شده است. سپس به ذکر قطعات و کشور

پرداخته و در هر مورد فهرست‌وار حدود ابعاد دریاها و کوهها، رودها، خلیج‌ها، تنگه‌ها، جزایر و شهر را به همان صورتی که در متن فرانسه بوده شرح می‌دهد و به همین جهت در تمام کتاب بیشتر از دو سه صفحه مطلب درباره ایران دیده نمی‌شود. این کتاب با خط نستعلیق بوسیله میرزا آقای کمرنی نوشته شده و با چاپ سنگی به چاپ رسیده است.

کتابچه کوچکی نیز در ۳۱ صفحه درباره مسائل «جغرافیای ریاضی و هیئت» شامل زمین و حرکات آن و اهله قمر و خسوف و کسوف و جزر و مد، توسط همین شخص یعنی مشاورالملک که به دستور میرزا حسین خان مشیرالدوله به سمت کارپردازای طرابوزان منصوب شده بود در سال ۱۲۹۵ ه. ق. به چاپ رسیده است.^{۱۲}

از کتب دیگر این دوره کتاب علم جغرافیا تألیف میرزا موسی خان پسر مفتاح‌الملک است که در سال ۱۳۱۸ ه. ق. در ۲۰۰ صفحه به قطع کوچک در تهران به چاپ رسیده است. در بخش مقدماتی این کتاب تحت عنوان «هیئت» مسائل مربوط به شکل و حرکات زمین و فصول و تقسیمات زمین به نحو شایسته‌ای مورد توجه واقع شده. در بخش آسیا ۳۵ صفحه به ایران اختصاص داده شده که ضمن آن اطلاعات جالبی درباره تهران به ویژه دروازه‌های تهران و محلات و حدود شهر نوشته شده و در بقیه کتاب که مربوط به قاره‌هاست ظواهر مختلف جغرافیایی طبیعی و سیاسی آورده شده است.^{۱۳}

کتاب «کفایه الجغرافی جدید طبیعی و سیاسی» تألیف عبدالغفار نجم‌الدوله کتاب جغرافیایی دیگر این دوره است که مخصوص تدریس در مدرسه دارالفنون و سایر مدارس ابتدائی تنظیم و در سال ۱۳۱۹ ه. ق. در تهران به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب عبدالغفار نجم‌الملک به تألیفات خود در رشته‌های مختلف علوم و فنون و همچنین نقشه‌هایی که از تهران و از جاده تهران تا محمره و از بوشهر تا تهران و نقشه حصار و کوچه‌های اصلی قم و کاشان و بروجرد و سلطان آباد و خرم‌آباد و شوشتر و دزفول، محمره، حویزه، اهواز و فلاحیه تهیه کرده اشاره کرده و از کتاب‌های جغرافیایی که قبل از این کتاب به چاپ رسانده نام برده است.

مطالب و موضوعات مهم جغرافیایی که در این کتاب آورده شده عبارتند از: مقدمات اصلیه در کواکب، دستگاه شمسی یا عالم شمسی، زمین و شکل آن، صفحه زمین، فصول چهارگانه، طول و عرض جغرافیا، اختلاف ساعات، مقیاس و اندازه گرفتن راهها، جغرافیای طبیعی، آب و خاک، تقسیمات زمین، جغرافیای اروپا، آسیا، آفریقا، بر جدید (آمریکا)، استرالی، تعریف اقیانوس و حرکت آنها و میزان کف بحر اقیانوسها، بادها، اقلیم، باران، برف، اصطلاحات جغرافیا مانند جزیره، شبه جزیره، بحرالجزایر، روغ و راس، ساحل و سیف و شاطی، نقشه‌های جغرافیا، نقشه طبیعی، معاش، ولایتی، میزان نما، آسیای طبیعی، آسیای سیاسی، دول و ایالات مستقله آسیا، احوال مملکت ایران، حدود مملکت قدیم ایران، کوهها و رودها، اقوام ساکن در سرزمین ایران، جغرافیای جدید ایران کنونی، موقع و حدود و وسعت و طول و عرض رسمی و جغرافی ایران، وضع سرحدات ایران، آب و هوا، جنگلهای، بیشه‌ها، امراض محلی، حیوانات و شرح ولایات ایران که عبارتند از: عراق عجم، طبرستان، مازندران، گیلان، آذربایجان، کردستان ایران، خوزستان، لرستان، فارس، لرستان، کرمان و بلوچستان و خراسان.

در فصل دوم احوال اروپا، اروپای طبیعی، وسعت و موقع آنجا، در فصل سوم آفریقای طبیعی، در فصل چهارم



محمدحسن صبیح الدوله (علاءالدوله)

مؤلف و بانی چندین تألیف جغرافیایی قاجار

منعکس می‌سازد. مملکت فارس در فارسنامه ناصری حدود بسیار وسیعتری از فارس کنونی دارد و بخش‌هایی از سواحل و بنادر خلیج فارس، خوزستان و حتی کرمان امروزی را در بر می‌گیرد.

در آغاز این کتاب شرح مفصلی راجع به زندگی و آثار میرزا حسن فسائی توسط مصحح محترم کتبه منصور رستگار فسائی نوشته شده است. سپس فهرست کتاب‌هایی که برای تدوین و تألیف کتاب مورد استفاده قرار گرفته ذکر شده است. نثر فارسنامه ناصری ساده و فصیح است و آیات قرآنی و احادیث نبوی و ادعیه نیز در آن دیده می‌شود. اشعار عربی، ضرب المثله‌ها، جملات عربی و نیز لغات و اوصاف ترکیبات عربی، کتب عربی، تشبیهات، کنایات، استعارات، استشهداها، تمثیل‌ها، حکایات، ماده تاریخ و اشعار تاریخی نیز به کرات آورده شده است.

این کتاب از دو بخش مجزا تشکیل شده است که نویسنده بر آنها، نام گفتار اول و گفتار دوم نهاده است. در گفتار اول وقایع تاریخ فارس و گاهی ایران از صدر اسلام تا سال ۱۳۰۰ ه. ق به ترتیب گاه شماری هجری ارائه شده است. اگرچه میرزا حسن این وقایع را تا سال ۱۳۱۲ ه. ق نوشته است ولی دوازده سال آخر این وقایع مفقود گردیده و مؤلف به علت ضعف چشم نتوانسته آن را تجدید نماید. در گفتار دوم فارسنامه، میرزا حسن به تبیین و توصیف اوضاع و احوال جغرافیایی و اقلیمی فارس و شهرهای آن پرداخته و پس از بیان مقدماتی، از شیراز و خصائص و بناها و بقاع و

بر جدید (آمریکای شمالی و جنوبی) و چگونگی کشف آمریکا، در فصل پنجم اقیانوس طبیعی، اقیانوس سیاسی، چگونگی کشف آمریکا، نژاد انسان، حیوانات گنجانده شده است.

از مزایای کتاب این است که به عوامل اقلیم و آب و هوا اشاره می‌کند و سپس به تفسیر اصطلاحات جغرافیایی می‌پردازد. بیشتر از یک سوم کتاب به شرح جغرافیای ایران اختصاص یافته که از ساتراپ‌های دوره هخامنشی آغاز و به وضع کنونی خاتمه می‌یابد. همچنین در پایان فهرستی از خلاصه اطلاعات و آمارهای جغرافیایی تحت عنوان «لب لباب جغرافیا» و بعد از آن فهرست جالبی از اصطلاحات جغرافیایی با عنوان «مفتاح الجغرافیا» یعنی شرح بعضی از اصطلاحات و اختلاف الفاظ به دست می‌دهد که در واقع یک فرهنگ جغرافیایی کوچک به شمار می‌رود و بالاخره کتاب با جداول از طول و عرض شهرهای ایران پایان می‌پذیرد.^{۲۳}

از کتب دیگر جغرافیایی این دوره که حائز اهمیت فراوان می‌باشد کتب فارسنامه ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسائی است. فارسنامه ناصری آیینة تمام‌نمای تاریخ و جغرافیای فارس در دوره طولانی بعد از اسلام تا اوائل قرن چهاردهم هجری است که دقیق‌ترین و نادرترین اطلاعات را درباره منطقه فارس با بیانی ساده به خوانندگان ارائه می‌کند و از کلی‌ترین و با اهمیت‌ترین وقایع تا جزئی‌ترین اتفاقات مربوط به این منطقه را با دقت و حوصله و وسواس عجیبی

بساتین و علما و شعرا، و وزراء، آن سخن می‌راند و چون به شهرها و بلوکات فارس می‌رسد اقدام به معرفی تمامی بلوکات، شهرها و روستاها به طوری جامع می‌نماید و به قول خودش:

«گفتار دوم را در بیان صفحه زمین فارس و آنچه را خدای تعالی بر آن آفرید یا مردمان ساخته‌اند، نمودم مانند شهر شیراز و محلات آن و اعیان هر محله و بقاع و بساتین و بلوکات فارس و قصبات و عرض و طول و سمت قبله مسلمانان آنها و دهات و جهت و نسبت قصبات و شهر شیراز و جهت و نسبت دهات و قصبات، پس ایلات فارس و تیره‌های ایلات و جزائر و چشمه‌های مشهور و دریاچه و رودخانه‌ها و قلعه‌های خدا آفرین که برفراز کوهها آفریده... پس نام کوههای مشهور فارس، پس معدنهای فارس را به وصفی که در نقشه مملکت فارس به اختراع این بنده مرتسم گشته است به ترتیب حروف ایرانی با ملاحظه حرف دوم و سیم بلکه چهارم و پنجم تا جستن نام هر بلوکی قصبه و قریه‌ای و همچنین در سایر چیزها آسان گردد...»^{۲۴}

جغرافیای حاجی مفخر تألیف مفخرالدوله کارگزار کل سهام خارجه مملکت آذربایجان که در سال ۱۳۲۱ ه. ق. احتمالاً در تبریز به چاپ رسیده از دیگر منابع جغرافیایی این دوره است. این کتاب که در حدود ۱۳۰ صفحه می‌باشد به دو قسمت تقریباً مساوی تقسیم شده است که قسمت اول آن درباره کلیات جغرافیا و بخش دوم مربوط به ایران است و از نظر تقسیمات سیاسی کشور در آن زمان اطلاعات قابل توجهی دارد.^{۲۵}

از منابع جغرافیایی دیگر این دوره کتاب جغرافیای محمد صفی خان است که بارها تجدید چاپ شده و سالها مورد استفاده بوده است. بخش‌های اول کتاب که در کلیات است به صورت سؤال و جواب و به نحو مطلوبی تنظیم شده و با جغرافیای محل شروع می‌شود.

نخستین سؤال کتاب این است: «ما الان در کجا و در چه محل هستیم؟» و این از جهت آموزش جغرافیا بسیار مؤثر و مفید است. در فصول میانی کتاب که به جغرافیای پنج قاره اختصاص یافته مسئله تازه‌ای وجود ندارد ولی بخش پایانی یا فصل چهارم کتاب که در ۱۱۳ صفحه تحت عنوان «جغرافیای وطن» به جغرافیای ایران اختصاص داده شده، مطالب جالب توجهی درباره وضع حکومت و تقسیمات مملکت و پایتخت آن تهران و نیز درباره فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی ایران زیر عنوان جغرافیای ثروتی در دو سال قبل از مشروطه به دست می‌دهد. این کتاب در صدر مشروطه هم در دارالفنون و مدارس دیگر کشور تدریس می‌شده است.^{۲۶}

از کتب دیگر جغرافیایی که بعد از انقلاب مشروطه نوشته شده، کتاب اصول علم جغرافیایی ایران تألیف و ترجمه معتمدالسلطان است که در سال ۱۳۲۷ ه. ق. در تبریز به چاپ رسیده است. در این کتاب که برای شاگردان مدارس ابتدایی تألیف شده تعاریف و اصطلاحات جغرافیایی بدین شرح آمده است: تعریف علم جغرافیا، چگونگی شکل زمین، حرکت زمین، تعریف فرسوخ، حرکت شبانه روزی زمین، حرکات دیگر زمین، ذکر فصول سال، مدت هر فصل، کره مصنوعی، تعریف نقشه، آبها، دریاها، اقیانوسها، پنج قطعه (قاره) زمین، نژادها، جهات جغرافیایی، تعریف مجمع‌الجزایر، دریاچه، تنگه، برزخ، خلیج، خلیج کوچک، بندر، دماغه، ساحل، کوه، کوه پست و کوچک، سلسله جبال، دره، کوه آتش فشان، دشت، فلات، صحراء شط، رودچه، منبع یا

منشاء شط و رود، ملتقی التحرین (محل اتصال دو شط به همدیگر) ساحل راست شط، ساحل چپ یک شط، حوض شط، منطقه حوض.

سپس سؤالاتی راجع به جغرافیای ایران در زمینه‌هایی چون: پایتخت ایران، نفوس ایران، آب و هوای ایران، مساحت ایران، حدود ایران، نژاد ایران، ایالات ایران، کوهها، رودها، دریاچه‌ها، معدنها، نباتات، حیوانات، صنایع، راه آهن، اندازه خط تلگراف و غیره مطرح شده است. در پایان این کتاب استانهای مختلف کشور با ذکر تعداد جمعیت، موقعیت جغرافیائی، نام شهرهای استان و ذکر مساحت آنها معرفی شده‌اند.^{۲۶}

مطالع الشومس نیز که از منابع جغرافیایی این دوره به شمار می‌آید جزوه‌ایست در جغرافیا که در سال ۱۳۳۱ ه. ق. توسط فضل‌الله بدایع نگار آستان قدس رضوی در مشهد به چاپ رسیده است. این جزوه مختصر احتمالاً تنها اثر جغرافیایی در زبان فارسی است که به نظم درآمده است. هدف نویسنده این بوده که بدین وسیله اعلام جغرافیائی و مطالب مربوط به آن به سهولت در حافظه دانش آموز جا گیرد. به این جهت کتابی کوچک در ۵۰ صفحه تنظیم کرده و تمام کتاب را بر اساس سؤال و جواب به نظم در آورده است. برای نمونه چند قطعه آن نقل می‌شود:

«س: خداوند قادر متعال زمین به چه شکل خلق فرموده؟
ج: خداوندی که تقدیر جهان کرد
زمین را گرد همچون گردگان کرد
دلیل گردش عقل سلیم است
نه هر عقلی که گرد است و سقیم است»

بخش نهایی کتاب که به نثر معمولی ولی بر اساس سؤال و جواب است به وصف جغرافیای مشهد اختصاص دارد که در آن مطالب مفصلی درباره مرکز استان خراسان آمده و می‌تواند مبنای خوبی برای مطالعه جغرافیای شهری مشهد در دوره قاجار قرار گیرد.^{۲۷}

از جمله منابع دیگر جغرافیای اواخر دوره قاجار کتاب تحفه‌الافاق ترجمه و تألیف مهدی قلی خان هدایت است که در سال ۱۳۳۸ ه. ق. در ۷۶۲ صفحه به قطع وزیری با تصاویر و نقشه‌های فراوان به چاپ رسیده است. تحفه‌الافاق از دو بخش تشکیل شده که باب اول آن در ۷۲ صفحه به کلیات هیئت و جغرافیا و باب دوم آن در حدود ۷۰۰ صفحه به جغرافیای اروپا اختصاص یافته است. هدایت پس از تعاریف اولی به ذکر مسائل مربوط به اجرام سماوی و ثوابت و سیارات و صور فلکی می‌پردازد که با تصاویر و اشکال جالب توأم است. آن گاه مسائل مربوط به زمین در فضا در حرکات زمین و آثار جغرافیایی مترتب بر آنها از قبیل شب و روز و فصول و اختلاف ساعت و تقویم و تقسیمات و مناطق زمین و راهها، تهیه نقشه‌ها و تصاویر جغرافیایی و تاریخچه تکامل نقشه‌های جغرافیایی و بالاخره تحولات قرون ۱۸ و ۱۹ م. را مورد بحث قرار می‌دهد.

باب دوم این کتاب که حدود ۷۰۰ صفحه کتاب را تشکیل می‌دهد، به جغرافیای اروپا مربوط می‌گردد و مفصل‌ترین متن جغرافیائی است که تا آن زمان به زبان فارسی درباره اروپا نوشته شده است. این بخش کتاب دارای تصاویر و نقشه‌های زیادی است و آن چنان به تفصیل نگاشته شده که می‌توان آن را دائرةالمعارفی کامل درباره اروپا دانست زیرا هم دارای مباحث جغرافیای طبیعی است و هم سوابق تاریخی و نژادی و مذهبی و زبانی و شرایط اقتصادی و اجتماعی تمام کشورهای آن روز اروپا در آن دیده می‌شود و در نتیجه از لحاظ مطالعه اروپای قبل از جنگ جهانی اول

مطلع الشمس

تاریخ و جغرافیای شروع بلاد و آکن خراسان

تألیف و تصحیح و ترجمه: محمدحسن محمدعلی جمال زاده
چاپ و نشر: انتشارات خرد، تهران، ۱۳۳۵ ه. ق.
شماره: ۱۰۰، شماره مسلسل: ۱۰۰، شماره ثبت: ۱۰۰
کتابخانه: ...

چهارم

پانزدهم

فصلنامه علمی-تخصصی، فصلنامه علمی-تخصصی، فصلنامه علمی-تخصصی

۱۰

توسعه و عمران

انتشارات

توسعه و عمران

مرجع مهم و مفیدی قلمداد می‌گردد.^{۲۸} و بالاخره در کتاب گنج شایگان تألیف محمدعلی جمال زاده باید نام برد که یکی از منابع جغرافیایی در زمینه جغرافیای اقتصادی و بازرگانی است و در سال ۱۳۳۵ توسط انتشارات کاوه در برلن به چاپ رسید. گنج شایگان اولین کتابی است که در زمینه جغرافیای اقتصادی با دقت و ظرافت علمی تدوین یافته است. اگرچه از مسائلی کلی جغرافیایی مثل جمعیت، آب و هوا و نژاد و ملیت ایرانی ذکری مختصر در مقدمه آورده است اما در مسائل اقتصادی مانند صادرات و واردات و گمرک و راههای حمل و نقل و محصولات کشاورزی و معادن و صنایع که تحت عنوان تشبثات معادل آمده و مالیه مملکتی و بودجه دولت و اوزان و مقادیر و تلگراف و تلفن و بالاخره زندگی در تهران و عهدنامه‌های تجاری از ذکر هیچ مطلبی فرو گذار نشده است و در تمام موارد ارقام و آمارهای مرتب آن جا که فراهم بوده در این کتاب گزارش شده است.^{۲۹}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، علمی، ۱۳۷۰، ص ۳۹۹.
- ۲- آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۱۵۸.
- ۳- گنجی، محمدحسن: جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷، ص ۲۵، ۲۶.
- ۴- محبوبی اردکانی، حسین: تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات آموزش عالی در ایران، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۱.
- ۵- نجم‌الدوله، میرزا عبدالغفار: تشخیص نفوس تهران، به اهتمام ناصر پاکدامن، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۰، ص ۳۵۹-۳۲۴.

ع شهر تهران تا ۱۲۸۴ ه. ق محدود به حصار شاه طهماسبی بود که حد شمالی آن در حدود سبز میدان فعلی و

شمس‌العماره قرار داشت. در آن سال حفر خندق جدید که شمال آن با بخشی از خیابان انقلاب فعلی مطابقت دارد آغاز شد و منظور از اراضی جدید زمینهای بین دو خندق است که جزء دارالخلافه شده بود. (محمدحسن گنجی. پیشین. ص ۲۹).

- ۷- گنجی، پیشین، ص ۲۸.
- ۸- همان، ص ۲۹.
- ۹- همان، ص ۳۰، ۳۱.
- ۱۰- همان، ص ۳۲.
- ۱۱- گنجی، پیشین، ص ۱۴۹.
- ۱۲- فرهاد میرزا معتمدالدوله، جام جم، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۷۲ ه. ق.
- ۱۳- Fer* غربی‌ترین جزیره مجمع‌الجزایر کاناری، اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مرآة البلدان، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۴- محمد حسن اعتمادالسلطنه، التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سواد کوه مازندران)، تصحیح مصطفی احمدزاده، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳، ص ۱۷.
- ۱۵- همان، ص ۲۳.
- ۱۶- همان منبع.
- ۱۷- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مطلع الشمس، تهران، پیشگام، ۱۳۶۲.
- ۱۸- عبدالغفار خان نجم‌الدوله: اصول علم جغرافیه، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۹۸ ه. ق.
- ۱۹- محمدتقی خان حکیم: گنج دانش، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۵ ه. ق.
- ۲۰- گنجی، پیشین، ص ۱۵۵.
- ۲۱- همان، ص ۱۵۶.
- ۲۲- عبدالغفار نجم‌الدوله، کفایه الجغرافی جدید، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۹ ه. ق.
- ۲۳- فسایی حسینی، میرزا حسن: فارسانه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۲۴- گنجی، پیشین، ص ۱۵۷.
- ۲۵- همان، همان صفحه.
- ۲۶- معتمدالسلطان: اصول علم جغرافیای ایران، تبریز، چاپ سنگی، ۱۳۲۷ ه. ق.
- ۲۷- گنجی، پیشین، ص ۱۵۸.
- ۲۸- هدایت، مهدی قلی خان: تحفه‌الافاق، تهران، ۱۳۳۸ ه. ق؛ گنجی، پیشین، ص ۱۶۱.
- ۲۹- جمال زاده محمدعلی؛ گنج شایگان، برلن، کاوه، ۱۳۳۵ ه. ق.